

مبارزه با تهاجم فرهنگی و مشکلات اجتماعی فرارسیده از دنیای غرب

مبارزه با تهاجم فرهنگی و مشکلات اجتماعی فرارسیده از دنیای غرب

محمد زارع تیموری

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه:

سپاس خداوندی را سزااست که سپاسگذاری از خویش را ثوابی برای بندگانش مقرر داشته و کتاب خود را با آن آغاز فرموده و دعای اهل بهشت را به آن پایان داده است، و در کتاب خود گوید ان الحمد لله رب العالمین (یونس 10) و درود خدای بر گرامی ترین رسول، محمد مصطفی (صلي الله عليه وآله وسلم) و خاندان پاک او باد که با حکمت و اندرزهای نیکو برانگیخته شد تا مردم را به فرمانبرداری از حق تعالی رهنمایی کند و از عصیان به خدای باز دارد.

پس از جنگ تحمیلی و تهاجمات نظامی، مهمترین بحثی که توجه صاحبان نظران و دلسوختگان را بخود جلب

نموده تهاجم از نوع فرهنگی آن است، جریان‌ی گسترده و ریشه‌دار که هرگز تاکنون بحث آن در کشور ما تا بدین حد گسترده و پردامنه نبوده است. آنچه به این بحث میدان داده است، خود آگاهی و خودباوری ژرف و گسترده‌ای است که در پی پیروزی انقلاب اسلامی در مردم بپا خاسته ایران پدید آمده است. در واقع این نخستین باری است که مردم ایران با چنین ابعاد گسترده‌ای با پدیده تهاجم فرهنگی به عنوان یکی از جلوه‌های استعمار نو روبرو می‌شوند، هر چند که تهاجم فرهنگی پیشینه‌ای طولانی دارد، اما در شکل و مقیاس کنونی، در واقع نمره گسترش سیاست‌های استعماری یکصد و پنجاه ساله گذشته است. آنچه به این شکل از تهاجم فرهنگی تشخیص بخشیده است، همراهی آن با سلطه‌گرایی غرب و اشاعه ایدئولوژیها و تکنولوژیهای قدرت‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است.

در دهه‌های اخیر، تهاجم فرهنگی در اثر توسعه عوامل جدید ارتباطی، قالب خاص به خود گرفته و شدت بیشتری یافته است. در واقع آنچه شاهد آنیم نوعی امپریالیسم فرهنگی و یا به تعبیری سلطه‌گرایی فرهنگی است که برای از بین بردن هویت ملی و فرهنگی و تخریب ارزش‌های فرهنگی به کشورها و ملل دنیا تحمیل می‌شود.

اگر چه در تاریخ کشور ما نیز همواره نبرد فرهنگی وجود داشته است، اما نباید فراموش کرد که این تهاجم و نبرد فرهنگی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ابعاد تازه‌تری بخود گرفته است. اینک تمامی قدرتها به تکاپو افتاده‌اند تا از گسترش موج سهمگین انقلاب اسلامی و فرهنگ حرکت آفرین و حیاتبخش آن به هر شیوه ممکن جلوگیری نمایند. آری دشمن‌گذار اینک تمامی نیرو و امکانات پیشرفته خویش را در جبهه فرهنگی متمرکز نموده است. این بار شیطان برون برای اضلال و اغوای رهروان راه انبیاء و ایجاد انحراف و خلل در مسیر الهی انقلاب از شیطان وسوسه‌گر و خنات‌درون مدد گرفته تا با ترویج فساد و ابتذال و بی‌بند و باری، سربازان جبهه اسلام و انقلاب را در زنجیر شهوت و تخریب به اسارت بکشد. مارهای زخم‌خورده جهان استکبار و در رأس آنها آمریکای جهان‌نخوار و عوامل خارجی و داخلی اش برای خالی کردن زیرپای این انقلاب در بعد فرهنگی و اخلاقی، دسیسه‌ها و توطئه‌ها در دست اجرا دارند که در مقایسه با ناوگان‌های جنگی و حملات هوایی و زمینی و موشک و بمب شیمیایی از قدرت ویرانگری بیشتری برخوردارند.

همه ما می‌دانیم که تشکل فرهنگ اسلامی ما به گونه‌ای است که دشمن در شکستن خطوط مقدم جبهه، بخاطر همین فرهنگ شکست خورد و اکنون می‌خواهد این پشتوانه قوی را نابود سازد. او در تضعیف و تحقیر دین اسلام تمام سعی و تلاش خود را بکار بسته است. اگر دیروز جهاد مقدس ما در مبارزه با جهان کفر جهاد اصغر بود، امروز در دفاع از فرهنگ اصیل اسلامی جهاد اکبر است. جهادی که نیاز به توپ و تانک ندارد، بلکه نیازمند اراده‌ای قوی و ایمانی عمیق است. جنگ فرهنگی به عنوان یکی از برنامه‌های دراز مدت، بنیادی و ریشه‌ای، نامحسوس و نامرئی و غیر مستقیم مقابله استکبار جهانی با انقلاب اسلامی است. این نکته روشن است که پس از طرح مساله تهاجم فرهنگی، چگونگی مقابله با آن مطرح می‌شود، چرا که اصولاً هدف از شناخت تهاجم فرهنگی، بررسی آثار شوم و جلوگیری از نفوذ آن است.

امام خمینی (ره) این احیاگر اسلام ناب محمدی (صلي الله عليه وآله وسلم) و حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای مقام عظمای ولایت و مرجعیت نیز در رهنمودهای بسیار روشن‌گر خویش، مستمرا و به تفاریق، در اکثر اوقات و از جنبه‌ها و زوایای مختلف، از این دسیسه‌های دشمنان امت‌های مستضعف جهان، بویژه از ترفندهای دشمنان جهان اسلام و خاصه، از حيله‌های دشمنان فرهنگی کشور عزیز خودمان به روشنی و صراحت و دقت و استحکام پرده برداشته‌اند.

وما نیز در این مجموعه در اختیار دارید سعی کرده‌ایم با استعانت از دیدگاه‌های حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری به بحث و بررسی پیرامون فرهنگ، فرهنگ اسلامی - تبادل و تهاجم فرهنگی - فرهنگ غرب و عکس‌العمل‌هایی که در قبال آن صورت گرفته است - دسیسه‌ها و توطئه‌های مرموزانه استکبار جهانی علیه انقلاب اسلامی و فرهنگ شکوفای آن پرداخته و با ذکر دستاوردهای ارزشی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران، در پایان راه‌های نیز جهت مقابله با تهاجم و شیخون فرهنگی غرب ارائه نمائیم. باشد که این مجموعه بتواند روشنگر راه دلسوختگان به فرهنگ و انقلاب اسلامی بوده و طالبان حاکمیت اسلام ناب محمدی (صلي الله عليه وآله وسلم) را در شناخت وجوه فرهنگ اسلامی یاری رساند.

امید آن داریم که با عنایت حضرت حق و نصب العین قرار دادن رهنمودهای راهیانه حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری و همکاری اندیشمندان و صاحب نظران عرصه‌های مختلف فرهنگی، بتوانیم به سهم خود، گاهی هر چند نا چیز در مسیر تهاجم فرهنگی و اجتماعی برداریم، چرا که بی تردید هر اقدام سنجیده‌ای در این راستا، می‌تواند به تحکیم مبانی فرهنگی و ترویج و اشاعه فرهنگ اصیل خودی مدد رساند.

تعریف فرهنگ

واژه «فرهنگ»، از دو بخش «فر» که پیشاوند است و «هنگ» که از ریشه «thang» اوستایی است و به معنی کشیدن و فرهیختن (ادب آموختن) می‌باشد، همچنین به معنی فرهنگ است، که همان علم و دانش و ادب است. ([1])

واژه فرهنگ در جامعه شناسی و مردم شناسی، ترجمه واژه «کولتوی Culture La» فرانسوی و «کالچر و بارور کردن آباد، کار و کشت معنی به اصل در و است لاتین ریشه از واژه این. است انگلیسی «Culture» ساختن بود، که به تدریج در ادبیات و علوم انسانی راه یافت و در قرن هیجدهم نویسندگان آن را به معنی پرورش روانی و معنوی به کار بردند، به مرور زمان این واژه از طریق تمثیل برای تشخیص پیشرفت فکری و اجتماعی، بطور عام مورد استفاده قرار گرفت.

در عرف عمومی فرهنگ را آداب دانی، آراستگی و ادب و حتی علم و دانش معنی می‌کنند. اما در علوم اجتماعی معنای فرهنگ چنین نیست بلکه بخشی از تمدن است که می‌توان آن را اینطور تعریف کرد: «فرهنگ عبارت است از مجموعه دستاوردها و اندوخته‌های معنوی بشری که این دستاوردها و اندوخته‌ها یا حاصل تلاش انسان است و یا بطور مستقیم یا غیر مستقیم در اثر تعالیم انبیاء حاصل شده است».

دکتر مهشید مشیری در کتاب تحسین فرهنگ زبان فارسی (الفبایی - قیاسی) در تعریف فرهنگ می‌نویسد: «فرهنگ: مجموع روشها، آداب و رسوم، ارزشهای يك اجتماع معین که متضمن نظام اقتصاد اجتماعی، ساخت سیاسی، علم، دین، تربیت، هنر و سرگرمیهاست». ([2])

و در کتاب فرهنگ عمید نوشته حسن عمید در خصوص فرهنگ چنین مفهومی آمده است: «فرهنگ - علم، دانش، ادب، معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی يك قوم یا ملت است». ([3])

فرهنگ از دیدگاه امام خمینی(ره)

بی شك بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد، و با انحراف فرهنگ، هر چند در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است، اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد.

استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشات می‌گیرد و ساده اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان پذیر است. بی جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به فرهنگ جوامع زیر سلطه است. ([4])

فرهنگ اساس ملت است، اساس مليت يك ملت است، اساس استقلال يك ملت است و لهذا آنها كوشش كرده‌اند كه فرهنگ ما را استعماري كنند. ([5])

آن چيزي كه ملتها را مي‌سازد، فرهنگ صحيح است، اگر فرهنگ درست بشود، يك مملكت اصلاح مي‌شود. ([6])

رأس همه اصلاحات، اصلاح فرهنگ است و نجات جوانهاي ما از اين وابستگي غرب اگر ما وابستگي فرهنگ داشته باشيم، دنبالش و وابستگي اقتصادي هم هست، وابستگي اجتماعي هم هست، سياسي هم هست، همه اينها هست. ([7])

فرهنگ مبدا همه خوشختيها و بدختيهاي ملت است. ([8])

اگر فرهنگ، فرهنگ صحيح باشد جوانهاي ما صحيح بار مي‌آيند. ([9])

راه اصلاح يك مملكتي (اصلاح) فرهنگ آن مملكت است، اصلاح بايد از فرهنگ شروع شود. با انحراف فرهنگ، کشور به انحراف كشيده مي‌شود. ([10])

اینجانب به مسایل فرهنگی بهای زیادی می‌دهم و اعتقاد راسخ دارم که قوام يك کشور و ملیت يك ملت به فرهنگ آن ملت است و پیش از هر چیز فرهنگ يك ملت وجه تمایز او را با سایر ملتها نشان می‌دهد... مساله فرهنگ را باید مساله اول این کشور به حساب آورد و بدون تردید با پشتیبانی و تقویت بنیه‌های فرهنگی پیشرفت این کشور در تمامی زمینه‌ها تضمین خواهد شد، اما اگر فرهنگ کشور اصلاح و پایه‌های آن مستحکم نشود، به احتمال زیاد برنامه ریزی در همه کارها ابر خواهد بود و به نتایج قطعی آن نمی‌توان امیدوار بود... فرهنگ مساله بسیار مهمی است که ضایعات آن را به تدریج و باگذشت يك زمان طولانی می‌توان فهمید، بنابراین درمان این ضایعات نیز به همین نسبت دشوار است. ([11])

مسایل فرهنگی از مسایل اقتصادی اهمیتش بیشتر است چون مسایل فرهنگی در مسایل اقتصادی تاثیر قطعی دارد. فرهنگ در کیفیت و رشد و شکوفایی و همه چیز تاثیر دارد. ([12])

فرهنگی کردن جامعه بسیار حرف درستی است و بنده هم این معنا را مکرراً در زمینه‌های مسایل فرهنگی تذکر داده‌ام، ولی ماهنوز در آغاز راه هستیم و جامعه‌ای ما به طبیعت فرهنگی است اما بالفعل نیست. ([13])

مسائل فرهنگ عمومی مهم است. فرهنگ عمومی همین است که ما می‌گوییم یعنی همه آن چیزی که فرهنگ جامعه را تشکیل می‌دهد... همه‌ای اینها بطور مداوم احتیاج دارند به دمیدن فکر درست و فرهنگ درست و اخلاق درست که البته وقتی اینجا فرهنگ می‌گوییم يك بخشهایی از فرهنگ بیشتر مورد توجه ماست مثل اخلاق، اخلاق هم جزو فرهنگ است فرض کنید وقتی می‌گوییم فرهنگ، سنت‌های ملی هم جزو فرهنگ است که آن حالا مورد نظر ما نیست... آنچه که فعلاً در مقوله‌های فرهنگ مورد نظر من است اخلاق است، چه اخلاق فردی و چه اخلاق جمعی، اخلاق اجتماعی و اخلاق زندگی. ([14])

مقوله فرهنگ همان طور که اهل درد و اهل سوز می‌دانند در شکور ما يك مقوله‌ی مظلومی است انقلاب ما مبتنی بر يك منش فرهنگی و يك نگرش فرهنگی بود و هر حرکت ارزشی این خصوصیت را دارد. ما با یستی بیش از پیش به تلاش فرهنگی می‌پردازیم. تلاش فرهنگی اسلامی، یعنی روشن کردن و تبیین فرهنگ اسلامی با همان وسعتی که مفهوم و معنای فرهنگ دارد. دور از انحراف و دور از خلافت گرایي و دور از تنگ نظری و جمود و دور از ملاحظه کاری و ترس از این و آن، که حالا مثلا در دین این جور است. ([15])

وظایف عمومی و کلی شما در مجموعه‌ی کار فرهنگی عبارت از هدایت اسلامی فرهنگ کشور در همه‌ی مظاهرش و ساخت اسلامی و دادن جهت و هدف اسلامی به کار فرهنگی کشور است. ([16])

فرهنگ مقوله بسیار مهمی است زیرا به ذهنیت و قوه درک انسان و نیز سازندگی شخصیت انسانها مربوط می‌شود و با هیچ سازندگی و بنای دیگری قابل مقایسه نیست. اینجانب از اوایل انقلاب تاکنون دلهره، دغدغه و نگرانی زیادی در مقوله فرهنگ داشته ام...

ایشان به طرافت و حساسیت مقوله فرهنگ اشاره کردند و با تاکید بر ضرورت گزینش های صحیح در این زمینه فرمودند: درک نادرست، کج سلیقگی و دیر فهمی در مسایل فرهنگی، به بروز ضایعه مهمی منجر خواهد شد که در نتیجه آن، افکار صحیح، میدان عمل پیدا نخواهند کرد. بر همین اساس در گزینش‌ها باید از افراد کج سلیقه و بد فهم، هر چند که متدین و مؤمن نیز باشند اجتناب شود. ([17])

فرهنگ به معنای خاص برای ملت عبارتند از ذهنیات و اندیشه‌ها و ایمان‌ها و باورها و سنت‌ها و آداب و ذخیره‌های فکری و ذهنی است. ([18])

فرهنگ ارمغان جاودانه اسلام برای بشریت است که برای همیشه او را مدیون مراحم عمیق خویش قرار داده که هنوز جهان انسانیت از ثمرات آن بهره‌مند است. ریشه فرهنگ اسلامی، وحی الهی است و این فرهنگ با تولد اسلام ولادت یافته است، هر چند با همه فرهنگ‌های الهی و غیر دینی وجه مشترکی دارد. محور اصلی این فرهنگ توحید است که در کلمه «لا اله الا الله» خلاصه می‌شود. توحید از طریق نبوت یعنی با مبعوث شدن پیامبر اسلام به مردم ابلاغ شده و هم به عنوان یک عقیده و یک جهان بینی و هم در قالب یک نظام اجتماعی تجلی کرده است.

توسعه اسلام در طول تاریخ همان توسعه فرهنگ اسلامی در میان اقوام و ملت‌های مختلف است. اقوامی که اسلام را پذیرفتند در حقیقت فرهنگ اسلامی را فرهنگ جامعه خود قرار دادند و بدان تسلیم شدند. با ورود اسلام به هر سرزمین آن دسته از عناصر و اجزاء فرهنگ مردم آن سرزمین که با اصول اسلامی ناسازگار نبود باقی ماند و با فرهنگ اسلامی آمیخته می‌شد و صورت اسلامی به خود می‌گرفت و جامعه اسلامی می‌پوشید.

ملاك تشخیص فرهنگ اسلامی از عقاید و آداب و سنتها و ارزشهای غیر اسلامی، قرآن و گفتار و کردار پیامبر و پیشوایان دین است. هر شیوه زندگی و راه و رسمی که پذیرش آن و عمل به آن با حفظ فرهنگ اسلامی منافات داشته باشد نمی‌تواند تمدن اسلامی نامیده شود هر چند قرن‌ها در میان عده‌ای از مسلمانان معمول بوده و یا در پهنه و سیعی مرسوم باشد.

از بارزترین مشخصات فرهنگ و تمدن اسلامی تعادل مجموعه‌ای آن است. در این فرهنگ و تمدن اجزاء و بخشها هر کدام برای مقصود معینی به وجود آمده‌اند و در رابطه با اجزای دیگر در جای خاص خویش قرار

همین امر سبب می‌شود تا هر يك از اجزاء این فرهنگ و تمدن وظیفه خویش را در درون مجموعه به خوبی ایفا کند و در نتیجه مجموعه دارای تعادل باشد. علت وجود تعادل در کلیت فرهنگ و تمدن اسلامی اتکای همه مبانی اسلام به توحید است. توحید بسان خونی است که در همه اجزای مجموعه حضور دارد و آنها را به هم پیوند می‌دهد. اگر توحید که شالوده فرهنگ و تمدن اسلامی است از این مجموعه حذف شود، تشخیص و هویت مجموعه از بین خواهد رفت و دیگر تعادلی نیز در میان نخواهد بود. معنویت و توجه به ارزشهای اخلاقی بخش مهمی از فرهنگ اسلامی است اما این امر هرگز باعث نادیده گرفتن دنیا و استفاده از مواهب و لذات مادی آن نشده است، بلکه میان این دو بخش هماهنگی و تناسبی بوجود آمده تا مجموعه دچار افراط و تفریط نشود و حالت تعادل خود را حفظ کند و بتواند جامعه را همیشه در حالت پویایی نگهدارد. تضاد و دوگانگی در فرهنگ اسلامی به چشم نمی‌خورد زیرا رابطه مادیت و معنویت در این فرهنگ به صورت صحیحی برقرار شده است و مسلمانانی که براساس فرهنگ اسلامی زندگی خویش را استوار کند هرگز دچار سردرگمی و تضاد نخواهد شد. تعادل موجود میان دنیا و آخرت تنها يك نمونه بود که ذکر شد. با اندی تاملی در توصیه‌های اخلاقی، فردی، اجتماعی و احکام عبادی و سیاسی اسلام می‌توان نمونه‌های بیشتری از سازگاری و تعادل مجموعه‌ای را در فرهنگ و تمدن اسلامی مشاهده کرد.

مشخصه دیگر فرهنگ و تمدن اسلامی پویایی و زایندگی آن است. مراد از پویایی و زایندگی يك فرهنگ و تمدن، آن است که در برخورد با فرهنگ و تمدنهای مختلف، هویت خود را از دست ندهد و بتواند به صورت طبیعی به مقابله با آنها بپردازد و فرهنگ و تمدن قوم مهاجم را در خود هضم کند و در همه شرایط تاریخی توانایی لازم را برای بقای خویش در جریان حوادث و رویدادها داشته باشد. فرهنگ و تمدن اسلامی در طول تاریخ و حیات خود بارها مورد تهاجم فرهنگهای مختلف قرار گرفته است، اما در همه حال این فرهنگ مهاجم بوده است که در مقابل فرهنگ اسلامی به زانو در آمده و تسلیم شده است، واقوام وابسته به آن فرهنگ، یعنی همان مهاجمان، یا فرهنگ خویش را ترك گفته و تسلیم فرهنگ اسلامی شده اند و یا تحت تاثیر این فرهنگ تحولی در فرهنگ خویش بوجود آورده‌اند.

سوّمین مشخصه فرهنگ و تمدن اسلامی تناسب آن با همه انسانها و همه زمانهاست. این فرهنگ و تمدن پس از نفوذ در میان ملتهای گوناگون به خوبی توانسته است آنان را به سوی خود جلب کند و حیات فردی و اجتماعی نوینی برای آنان بوجود آورده. دلیل عمده استقبال اقوام و ملل متعدد از فرهنگ و تمدن اسلامی نیز همین خصوصیت بوده است. این خصوصیت به نوبه خود دو ریشه اصلی داشته است که عبارتند از:

الف - تطابق با فطرت انسانها - از آنجا که اسلام آیینی است که با فطرت انسانی سازگار است و قوانین آن به تناسب فطرت بشری وضع شده، فرهنگ اسلامی نیز منطبق بر فطرت انسانهاست. و بنابراین انسانهایی که در سرزمینهای مختلف زندگی میکنند مجذوب آن میشوند. زیرا همه نیازهای طبیعی انسانها را بر آورده میکنند.

ب - جهانی بودن - مراد از جهانی بودن این است که فرهنگ اسلامی متعلق به قوم خاصی نیست و به منظور پاسخ گفتن به نیازهای قومی خاص نیز پدید نیامده است. بلکه از آنجا که منطبق بر فطرت انسانی است، رنگ قوم و ملتی خاص را بخود نمیگیرد و بنابراین میتواند جهانی شود.

دستاوردهای ارزشی و فرهنگی انقلاب اسلامی

رژیم پهلوی برنامه ایده آل خود را برای آینده ایران استقرار نظامی به سبک غربی تدوین کرده بود. در پرتو این نظام در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی معیارها و ارزشهای غربی بر ایران حکمفرما شدند و کشور به سمت حیاتی جدا از تاریخ و گذشته خویش پیش رفت. کارگزاران اصلی رژیم پهلوی در رایزنیها و مشورتهای پیدا و نهان با مراکز کارشناسی غرب به این جمعبندی واقع بینانه دست یافته بودند که برای موفقیت در تحقق الگوی ترسیم شده، استحاله فرهنگی ایران اصل ترین چاره راه است. رژیم پهلوی به خوبی میداند که فرهنگ اسلامی ملی مردم حتی اگر در انفعالهای مقطعی اجازه ترویج

ارزشهای غربی را بدهد در دراز مدت مانعی مستحکم در برابر ترویج این گونه ارزشهاست، به همین دلیل، همان گونه که ذکر شد استحاله فرهنگ مردم، در دستور کار مراکز فرهنگ رژیم در اولویت قرار گرفت و برنامه ریزیها چنین سمت و سوی یافتند. برای تحقق این هدف شوم عرصه‌های مختلف هنر و ادبیات، سینما، تئاتر، رادیو، تلویزیون، مطبوعات، کتاب، سیستم آموزشی کشور، مدارس، دبیرستانها، دانشگاهها و... جملگی به استخدام ارزشهای غربی در آمدند و افکار عمومی به ویژه اذهان نوجوانان و جوانان در معرض بمباران بی‌وقفه‌ای قرار گرفت که هدف از آن فراموشی هویت اسلامی - ملی و پذیرش تمام عیار فرهنگ غرب بود. تاملی کوتاه در برنامه های فرهنگی - هنری رژیم پهلوی به ویژه در سالهای آخر به خوبی نشان می‌دهد که مبتذل ترین روشها برای استحاله فرهنگ مردم این کشور در ابعادی بسیار گسترده به کار گرفته می‌شد تا روند تغییر ارزشها و معیارهای فرهنگی مردم، تسریع یابد. امواج پرستایی که از اوایل سال 56 به تدریج فراگیر شد و در نهایت پیروزی تاریخی 22 بهمن 57 را رقم زد در زیباترین تجلی خود، موجی فرهنگی بود که ریشه در اعماق باورها و ارزشهای این ملت داشته و شعار نو آرمانی اصلی آن بازگشت به هویت اسلامی بود. این شعار و این آرمان به دلیل طراوت خود، در سطح ایران محدود نماند و اکنون به اذعان دوست و دشمن در مناطق مختلف جهان به ویژه در کشورهای مسلمان فریاد خوش آهنگ به بازگشت به خویش را به عنوان دستاورد ملموس فرهنگی انقلاب اسلامی طنین انداز است.

اکنون هیچ تحلیلگر منصفی در جهان وجود ندارد که جایگاه تاریخی و تعیین کننده هویت فرهنگی ملت مسلمان ایران را در روند احیاء هویت اسلام مورد تاکید قرار ندهد. این مهم، تکیه بر تحولات شگرف فرهنگی دارد که بر باور و آرمان و اهداف این ملت به وقوع پیوسته است و دستاوردهای فرهنگ و ارزشهای انقلاب اسلامی را جزو زیباترین و پرنشاط ترین نتایج اهتزاز پرچم اسلام ناب محمدی 0 در ایران قراردادده است.

با توجه به اصالت انقلاب اسلامی که دارای هویت و ماهیت فرهنگی و ارزشی است و تحول عظیم روحی و فرهنگی در ملت که ثمره آن پیروزی انقلاب بود در اینجا به تعدادی از عناوین دستاوردهای انقلاب و ارزشهای اصیل آن اکتفا می‌شود.

1 - حاکمیت اقل و حکومت الهی در جامعه (ولایت فقیه و جمهوری اسلامی).

2 - احیاء ارزشهای الهی و انسانی و توجه به معنویات و فضایل و تقوا.

3 - توجه به عبادات و نماز - قرآن و نهج البلاغه و ادعیه آسمانی - از قبیل: نماز جماعت، نماز جمعه، نماز شب، حضور در مساجد و اماکن مذهبی - جلسات قرآن و نهج البلاغه - قرائت قرآن، حفظ قرآن، تواشیح، دعای کمیل، دعای توسل دعای ندبه، زیارت عاشورا، سروده‌های مذهبی و انقلاب و...

4 - اجرای قوانین و احکام اسلامی و برخورد با منکرات و مفسدات اجتماعی.

5 - ایجاد تحول دینی و مذهبی در جهان و بیداری مردم جهان و نهضت‌های اسلامی و مردمی.

6 - آگاهی عمومی مردم از فرهنگ اسلام ناب محمدی (صلي الله عليه وآله وسلم).

7 - آگاهی و بینش سیاسی مردم و بیداری و رشد فکری و فرهنگی جوانان.

8 – آزادي راستين و قطع سلطه شرق و غرب از ايران بواسطه اعتقاد به اصل نه شرقي، نه غربي، جمهوري اسلامي.

9 – استقلال سياسي، فرهنگي و اقتصادي براساس اصل استقلال، آزادي، جمهوري اسلامي.

10 – ظلم ستيزي و مبارزه با استكبار جهاني و دفاع از ملل و دول مظلوم جهان و نهضت هاي آزاد يبخش مردمي.

11 – شكست توان اسلحه در مقابل اراده ملتها و اثبات پيروزي خون بر شمشير در عمل.

12 – وحدت و يکپارچگي در ميان اقشار مختلف مردم و مذاهب و اديان الهي (واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا). ([19])

13 – آميختگي دين و سياست و اتحاد ملت و دولت و تبعيت از رهبري (ولايت فقيه).

14 – تغيير نظام ارزشي جامعه و عينيت يافتن ارزشهاي نظير «جهاد» و «شهادت» روحيه اينارگري و شهادت

طلبي بسيجي و بسجيگري و نيروهائي داوطلب مردي با اخلاقي و فداكاري در جامعه.

15 – تفكيك ارزشهائي قومي از ارزشهائي اسلامي و طرد ملي گرايي به عنوان يك انحراف از مسير هدايت جامعه بشري به سوي خدا و تلاش در جهت بازگشت به هويت اسلامي.

16 – اصلاح باورهائي مذهبي مردم به گونه اي كه مجدداً پس از 1400 سال اسلام به صورت يك كليت تجزيه ناپذير در تمامي ابعادش مطرح شد – خرافه زدائي از عرصه اعتقادات و باورهائي ديني مردم.

17 – موقعيت و ارزش واقعي پيدا كردن زن در جامعه – طرح مجدد جا يگاه اجتماعي، سياسي، حقوقي و اقتصادي زنان.

18 – طرح پوشش اسلامي براي دفاع از امنيت خانواده ها و پرورش نسل سالم – رعايت حجاب اسلامي، عفت و پاكدمني و حياء.

19 – ساده زيستي و پرهيز از رفاه گرايي و جاه طلبي و تجملات دنيايي.

20 – فقرزدائي و توجه بيشتر به كوخ نشينان، پابرهنگان، دردكشيده ها، سيلبي خورده ها و مستضعفان.

21 - تالیف آرمانهای مترقی اسلام و شیوه‌های مدرن هنری و ایجاد هنر و ادبیات متعهد - ترویج مردم‌گرایی در ادبیات و هنر - مشروعیت یافتن موسیقی متعهد و پیدایش موسیقی مشروع انقلابی و مردم‌گرا - تغییر مبانی هنر و ادبیات و شکستن کلیشه‌های تنگ و تاریک الحادی در عرصه هنر و ادبیات کشور - تصحیح جلوه حضور زن در مجامع هنری و فرهنگی - جنسیت زدایی از عرصه‌های هنر و ادبیات - ترویج مردم‌گرایی در ادبیات و هنر، مشارکت موثر نیروهای اصیل اسلامی و مردمی در عرصه‌های هنری - پیدایش ادبیات انقلابی اسلامی در مقیاس جهانی.

21 - رشد چشمگیر مؤسسات پژوهشی و مراکز تحقیقات - پیدایش مجامع علمی - تغییرات اساسی در سیستم آموزش کشور - ایجاد احساس خودباوری و استقلال فکری در مردم به جای خودباختگی و وابستگی فکری - برقراری ارتباط و پیوند نسبی حوزه و دانشگاه - گرایش جوانان تحصیل کرده در دانشگاهها و مجامع به روشهای تحقیق مادی به حوزه‌های علمی - معرفی منزلت فرهنگی اسلامی و نشر دوباره آنها - توسعه دانشگاههای کشور گرایش طلاب و علمای اسلام که مجهز به بینش اسلامی هستند به علوم جدید - توجه جدی به امر مبارزه با بی‌سوادی و تشویق به آموختن علوم مختلف مورد نیاز جامعه - چاپ و انتشار کتب مذهبی و اسلامی و علمی و آگاهی بخش و مفید به کمال جامعه و پیشرفت کیفی و کمی در انتشارات، از نظر تنوع، موضوع، و تیراژ - افزایش تیراژ و تنوع در مطبوعات - جهش در مطبوعات از نظر موضوع و مضمون و خارج شدن مطبوعات کشور از عرصه‌های مبتذل و کثیف و ورود آنها به عرصه‌های جدی و عینی زندگی.

انقلاب اسلامی ایران به مثابه فصل نوینی در تاریخ رهایی بشریت، تولد انسان آزاد، مستقل، مکتبی و با هویت را در گستره جهان نوید می‌دهد. پیام انقلاب ایران «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، با بهره جویی از جوهر مکتبی، همه مستضعفین و آزاداندیشان و آزادمردان جهان را در سراسر کره خاک مورد خطاب قرار می‌دهد و آنان را به قیام علیه سلطه گران و زورمندان و چپاولگران و دعوت به پذیرش دین خدا و تسلیم در برابر حق و حقیقت و رعایت ارزشهای الهی و انسانی می‌نماید.

«انقلاب ما متكي بر معنويات و خداست و آنهايي كه با ما موافقند آنهايي هستند كه با خط توحيدى موافقند». ([20])

«انقلاب براي اين است كه ارزشها در جامعه تغيير كند، به گونه‌اي كه معيار اعتبار و ارزش انسان به عبوديت خدا باشد». ([21])

«انقلاب اسلامي ملت ما را زنده و هوشيار كرد و به آنان شجاعت، قدرت و عزت داد و اين از ثمرات انقلاب ماست». ([22])

«ما مي خواهيم زنده باشيم و ما مي خواهيم شرافت خودمان را حفظ كنيم و ما مي خواهيم اسلام عزيز را كه همه چيز درش هست استقلال درش هست، آزادي درش هست، شرافت درش هست، مي خواهيم اين را حفظش كنيم و قرآن كريم را حفظ بكنيم. و اين ارزش دارد به اينكه ما همه از بين برويم». ([23])

«در برابر نظام سلطه، جمهوري اسلامي ايران مبناي كار خود را بر مفاهيم و ارزشهاي الهي و اسلامي قراردادده است و تصميم دارد كه جامعه را سعادت مند كند و اين سعادت نيازمند استقلال در زندگي، اندیشه، انتخاب هدف و سازندگي است و براي تحقق اين مهم، مبارزه و مجاهدت اجتناب ناپذير است زيرا دشمن سلطه گر تحمل چنين ملتي را ندارد و انواع توطئه ها را در زمينه هاي فرهنگي و اقتصادي و امنيتي عليه ايران اسلامي به اجرا گذاشته است تا مانع پيشرفت ملت ايران شود». ([24])

هرکس که تاریخ گذشته با شکوه و هر عظمت مسلمین را مطالعه کند و وضع کنونی آنان را در جهان امروز در نظر آورد بی اختیار از خود خواهد پرسید: «چه شد که آن فرهنگ و تمدن درخشان و آن قدرت و عظمت از میان رفت و مسلمانان دچار انحطاط شدند؟». و آنگاه عقب ماندگی امروز مسلمین و نیازمندی آنان را به ملتهای غربی مشاهده کند، با افسوس و دریغ بسیار سؤال خواهد کرد که «علت انحطاط مسلمین چیست؟»

حقیقت این است که هنوز متفکران مسلمان در این باره تحقیق جامعی که روشنگر همه اهداف و جوانب این مساله باشد انجام نداده اند.

بی تردید یکی از علل اصلی انحطاط مسلمین، بی خبری آنان از حقایق اسلامی و عمل نکردن آنان به اسلام است. اگر مسلمین به اسلام عمل می کردند و از اصول اسلام غفلت نمی ورزیدند نه از درون دچار ضعف و پوسیدگی می شدند و نه دشمنان و بیگانگان می توانستند با حمله و هجوم به آنها، مجد و عظمت آنان را درهم می شکنند.

در اینجا ما به برخی از علل مهمی که موجب ضعف درونی مسلمین شده اشاره می کنیم:

1 - بی توجهی نسبت به ارزشها و ضوابط اسلامی در امر حکومت - می توان گفت که هر اندازه که حکومت اسلامی از ارزشهای اسلامی فاصله گرفت، مسلمین از صراط مستقیم سعادت بدور افتادند. مطالعه تاریخ گذشته به ما نشان می دهد به میزانی که امامت و خلافت اسلامی فراموش شده و شیوة حکومت اسلامی به سلطنت نزدیک شده، زمینه رشد مردم کمتر شده است، در حال حاضر مهمترین عامل عقب ماندگی و ضعف مسلمین، حکامی هستند که به نام اسلام بر مسلمانان حکومت می کنند و صلاحیت این منصب مهم را ندارند و همین حکومتها هستند که مسلمانان جهان را به بهای تجمل و قدرت ظاهری، به دشمنان اسلام فروخته اند.

2 - دوری مسلمانان از اخلاق اسلامی - بی توجهی به احکام اسلامی و غفلت از ارزشهای اخلاقی اسلامی از جمله عواملی است که جامعه اسلامی را از درون پوشانده. رواج غیبت و تهمت، غفلت از تعاون به یکدیگر و انفاق به نیازمندان، زیر پا گذاشتن احکام مربوط به حجاب و عفت و غوطه ور شدن در بی بند و باری و شهوترانی و سرگرم شدن به امور بی حاصل و تخدیر کننده ای که قرآن آنها را لَهو و لعب نامیده است، همه عاملهایی هستند که عزم و اراده یکایک مسلمانان را در کوشش برای استقلال و آزادی از سلطه دشمنان سست می سازد.

3 - تفرقه و اختلاف درونی - یکی از مهمترین عوامل ضعف و شکست و عقب ماندگی مسلمین از دیر باز تاریخ ما، اختلاف درونی بوده است. البته در ایجاد بسیاری از اختلافات، دشمنان اسلام موثرند اما هوای نفس بسیاری از زمامداران و اولیای امور و نیز غفلت و بی توجهی بسیاری از مردم راه را برای توطئه های دشمن باز می کند. مسلمین از روزی که این دستور العمل قرآنی را که:

46. آیه انفال سوره 0...مُكُيِّرُ بَاهِذَاتٍ وَوَاللَّشَّفَتِ فَوَاعِازَ نَتَلَا وَ... P

« با هم کشمکش نکنید که ضعیف خواهید شد و ابهت و آبروی شما بر باد خواهد رفت.»

فراموش کردند، خود بدست خود تیشه به ریشه خویش زدند، اختلاف و خصومت میان شیعه و سنی، عرب و ترک و فارس و هندی و... که از دیر باز وجود داشته و مخصوصاً در قرن اخیراً آنها شعله ورتن شده از عوامل سقوط و انحطاط مسلمین بوده است. ([25])

دشمنان با نقشه‌های از پیش آماده شده دین را از صحنه زندگی کشورهای اسلامی راندند و شعار جدایی دین از سیاست را در این کشورها تحقیق بخشیدند. نتیجه این شد که پیشرفت علمی غرب، توانست این کشورها را یکباره بصورت تابعی از کشورهای صنعتی در آورده و سرنوشت سیاسی و اقتصادی آنها را برای مدت طولانی و جبران ناپذیر به دست غارتگران غربی بدهد. امروزه غالب کشورهای اسلامی پس از ده‌ها سال که جیب کمپانیها و دولتهای غربی از منابع آنها پر شده، هنوز در وادی عقب ماندگی سرگردانند و هنوز محتاج صنعت و علم و کالای غربی و در عالم سیاست، طفیلی و پیروناگزییر آنان هستند. این همان خسران عظیمی است که از روز اول بر اثر عدم توجه به اصل بنیادین اسلام یعنی توحید اسلامی پیش آمد و هر چه زمان پیشرفته و علم کاملتر شده و دولتها و کشورهایی را مجهزتر کرده، کشورهای اسلامی ناتوان تر، وابسته‌تر، کم جرات تر و بی ابتکارتر شده‌اند. ([26])

شما وضع مسلمانان و کشورهای اسلامی در دنیا را از لحاظ گرسنگی، فقر ضعف سیاسی، نا آگاهی، عقب افتادگی و دنباله روی سیاسی و اقتصادی نگاه کنید و از خودتان بپرسید چرا چنین است؟ مسلمانها و کشورهای اسلامی چه چیز کم داشتند؟ آیا منابع طبیعی شان کم بود؟ کمبود نیروی انسانی داشتند؟

موقعیت جغرافیایی خوبی نداشتند؟ هیچ کدام اینها نبود. خواهید گفت پس چرا در این وضع اسفبار قرار گرفتند؟ جواب این است که دشمنان با سوء استفاده از غفلت مردم و خیانت سران در طول صد سال، دوستانه سال به آنها حمله‌ای معنوی و فرهنگی، در کنار آن حمله‌ای اقتصادی و نظامی کردند و کشورهای اسلامی را به تدریج به این وضعی که می بینید در آوردند. والا این وضع طبیعی عالم اسلام نیست. ([27])

سالهای متمادی فرهنگ منحط غرب بدون هیچ مانع در کشورهای اسلامی به تخریب و افساد مشغول بوده است. متأسفانه حکومت‌های فاسد و وابسته نتوانستند آن سد محکمی را که از يك حکومت صالح انتظار می‌رود در مقابل توطئه‌های فرهنگی و سیاسی دشمنان به وجود بیاورند. لذا سردمداران کشورهای غربی در راه سلطه

گري سياسي و غارتگري اقتصادي به گسترش فرهنگ منحنط، خفت بار و دليل کننده ي غربي در کشورهاي اسلامي پرداختند و هيچ کس هم مانع و رادع آنها نشد. ([28])

امروز اسلام در دنيا بيش از هر وقت ديگر مورد بغض و عداوت سردمداران قدرتهاي شيطاني قرار دارد. در گذشته ي نماز با اسلام بد بودند و هيچ وقت اسلام خوشايند گردن کلفتها و زورگويهاي عالم نبود و آنها هيچ گاه با اسلام دل صافي نداشتند، اما امروز اين دشمني مضاعف و چند برابر شده است.

امروز قدرتهاي شيطاني مزه ي ضريتهايي را که اسلام زنده به آنها وارد مي کند چشيده ي اند. و قدرتهاي شيطاني غربي يعني آمريکا و اذنا ب آمريکا فهميده ي اند که وقتي يك ملتي مسلمان باشد و به نام خدا قيام کند، اين يعني چه. لذا از اسلام بيشتر مي ترسند و نسبت به اسلام بيشتر بغض و عداوت مي ورزند. ([29])

همان طوري که قرآن کریم بيان فرموده است: *ولن ترضى عنك اليهود ولا النصارى حتى تتبع ملتهم* (سورة بقره آيه 120) حقيقتاً اين بيان از معجزات قرآن است که تا جامعه ي مسلمانان از اسلام دست برندارند دشمنان راضي نمي شوند. و مقصود از دست برداشتن از اسلام، اين است که احکام زنده، نيروي حياتي و روح اسلام ميان مسلمانها نباشد. البته اگر مسلمانها از مباني عاليه ي اسلام بي اطلاع باشند، هر چند به ظواهر مختصري از آن هم عمل کنند، اينها خيلي کاري ندارند و دشمني هم نمي کنند. اما اين ديگر آن اسلامي نيست که پيغمبر آورد و قرآن فرمود: *كُنتُمْ خَيْرَ اُمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلدِّاسِ...* ([30]) (سورة آل عمران: آيه 110).

قدرتها با اسلام و بيداري مسلمين دشمن هستند و دشمني آنها با ايران اسلامي به همين خاطر است و همه ي تلاش آنها اين است که حرکت اسلامي در دنيا زنده نشود. البته در رأس اين خصومتها دولت متجبر و

متجاوز آمریکا قرار دارد و پشت سر او نیز قدرتها کوچک و بزرگی هستند که یا نسبت به اسلام خصومت دیرینه و اصطکاک منافع دارند و یا از اسلام می‌ترسند. دشمنی آنها با ایران اسلامی به این خاطر است که بیداری اسلامی از اینجا جوشید و امروز ملتهای مسلمان در همه جای دنیا، از این حرکت و انقلاب پیروز، امید می‌گیرند و گامهای خود را محکم می‌کنند و به پیش می‌روند. اگر دشمنان بتوانند - العیاذ بالله - اسلام را در این نقطه شکست بدهند، بزرگترین پیروزی را در مقابل موج اسلام گرایي در سراسر عالم به دست آورده‌اند، این حقیقتی است که امروز وجود دارد و نباید در شناخت دشمن اشتباه کرد. نباید تصور کرد که دشمن از دشمنی با اسلام و مسلمین دست برداشته است. ([31])

تعریف تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی پدیده‌ای است با ماهیت اجتماعی - روانی، حالت افراطی، نفوذ فرهنگی است که به فرهنگ به چشم ابزاری برای دستیابی به هدف‌های غیر فرهنگ (که عموماً اقتصادی - سیاسی هستند) می‌نگرد و برای نیل به هدف‌های خود عموماً از تکنولوژی‌های پیشرفته پیام رسانی و ارتباطی بهره می‌گیرد.

در این روش سازمانها و نهادهای مختلف در جامعه‌ای، فرهنگ خود را با وسایل و طرق گوناگون، به جوامع دیگر اشاعه داده و تحمیل می‌نمایند. تعیین مصادیق تهاجم فرهنگی به طور دقیق، نیازمند پژوهشی نظری و کار بردی است و تا آنجا که اینجانب به خاطر دارم چنین پژوهشهایی تاکنون کمتر انجام شده است، معهدا کلی‌ترین مصادیق و عرصه‌های تهاجم فرهنگی را می‌توان در گسترش شیوه زندگی به سبک فرهنگ مهاجم، مطبوعات و رسانه‌ها جستجو کرد. مهاجم سعی دارد تا روش خود را به جامعه غیر خود گسترش دهد و فرهنگش به مرور تمام نقاط جهان را زیر چتر خود بگیرد.

در این تهاجم با نفوذ و رخنه فرهنگ بیگانه در فرهنگ مغلوب به نحوی که در رفتارها والگوهای اجتماعی آن جامعه مؤثر افتد تمام عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی اعم از سلوک، آداب، پوشاک و حتی نوع شهرسازی و تمدن مادی و معنوی تحت تاثیر قرار می‌گیرد.

به طر کلی باید دانست که تهاجم فرهنگی حرکتی است مرموزانه، حساب شده، همراه با برنامه ریزی دقیق و با استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای متعدد و متنوع، برای سست کردن باورها و دگرگونی ارزشها و انحراف اندیشه‌ها، تغییر و تبدیل آداب و سنن و نابودی اصول اخلاقی حاکم بر يك جامعه. به عبارت دیگر، تهاجم فرهنگی عبارت است از پوچ و پوک و تهی کردن تفکر و ذهنیت و فرهنگ و تمدن ملی و اصیل يك جامعه و تضعیف شخصیت انسانی افراد آن، با تحمیل ترس و هراس دائم والقای اصول فکری و تحمیل فرهنگ کشور مهاجم به جای آن و این خبر با از دست دادن خویشتن و از دست دادن پایه‌های فکری و اخلاقی اصیل و ملی صورت نمی‌گیرد. بنابراین استعمار به خوبی تجربه کرده است که تا ملتی برای خود شخصیت قائل است، نفوذ در او ساده نیست. فرهنگ و تاریخ در يك ملت شخصیت و تعصب ایجاد می‌کند و ناچار برای رسوخ در او باید او را از تاریخش برید و از فرهنگش جدا کرد. و با کشف این اصل علمی روانشناسی می‌کوشند تا ملتهایی را که صاحب تاریخ و فرهنگ غنی بودند و یا می‌باشند به لطایف الحیل علمی و جامعه شناسی بسیار پیچیده و هوشیارانه خالی از محتوا نمایند و آنگاه به مسخ ارزشهای معنوی و سنتی او نمایند و جالب آنکه تمام این ضد فرهنگی‌ها را تحت عنوان قصه دردناک تجدد تحمیل می‌نمایند. ([32])

تهاجم فرهنگی به این معنی است که يك مجموعه‌ی سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود و اسارت يك ملت، به بنیانهای فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. در این هجوم باورهای تازه‌ای را به زور و به قصد جایگزینی با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می‌کنند... تهاجم فرهنگ همانند کار فرهنگ، يك کار آرام و بی سروصداست. ([33])

تهاجم فرهنگی برای بی اعتقاد کردن نسل نو انجام می‌گیرد، هم بی اعتقاد کردن به دین، هم بی اعتقاد کردن به اصول انقلابی و هم بی اعتقاد کردن به آن تفکر فعال که امروز استکبار و قلمرو قدرتهای استکباری را به خطر و وحشت انداخته است. ([34])

در تهاجم فرهنگی دشمن آن نقطه‌ای از فرهنگ خود را به این ملت می‌دهد و وارد این کشور می‌کند که

خودش. می‌خواهد و معلوم است که دشمن چه چیز را می‌خواهد. ([35])

مساله تهاجم فرهنگی که بنده بارها از آن اسم آورده‌ام و حقیقتاً و قلباً و روحاً نسبت به آن حساس هستم دو شاخه‌ای اساسی و مهم دارد که هر دو شاخه برای شما قابل توجه است: یکی عبارت از جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی است و این ادامه‌ی همان کاری است که در دوران پهلوی به صورت آزاد و نرخ شاه عباسی انجام می‌گرفته است که با پیروزی انقلاب اسلامی بحمد ا‌ قطع شد و اینها دارن‌فشار می‌آورند که همان کار باید انجام بگیرد. شاخه دوم عبارت است از حمله به جمهوری اسلامی و ارزشهای جمهوری اسلامی و ارزشهای ملت ایران که از طرف فرهنگی، با نوشتن و تهیه فیلم و نمایشنامه‌ها و تنظیم کتاب‌ها و فصل‌نامه‌ها و با هدایت بیگانه امروز در کشور ما انجام می‌گیرد. ([36])

ماهواره، تلویزیون، ویدئو، کتاب، روزنامه و شبنامه در زمره ابزار فرهنگی هستند که تهاجم فرهنگی با بهره گرفتن از آنها صورت می‌گیرد. اما تهاجم فرهنگی بعد دیگری نیز دارد که با تکیه بر مایه‌های فرهنگی یعنی فکر و اندیشه و برداشتهای مختلف و با جهان بینی‌های گوناگون به انجام می‌رسد و امروز کشورهای مختلف جهان و حتی کشورهای اروپایی از تهاجم فرهنگی آمریکا نگرانند و کشورهای آسیایی در صدد بر آمده‌اند که راه ویدئو و ماهواره را ببندند و در جوامع غربی از جمله جامعه آمریکا، فریادها از فساد، تباهی و پوسیدگی فرهنگی بلند شده است. ([37])

تفاوت تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی

از دیدگاه مقام معظم رهبری

تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی متفاوت است. تبادل فرهنگی يك چیز لازمی است و هیچ ملتی از اینکه معارفی را در تمام زمینه‌ها - از جمله فرهنگ و مسائل که عنوان فرهنگ به آن اطلاق می‌شود - از ملتهای دیگر بیاموزد، بی‌نیاز نیست. در همیشه‌ی تاریخ هم همین طور بوده است. ملتها در رفت و آمدهایشان با یکدیگر، آداب زندگی، خلیقات، علم، نحوه‌ی لباس پوشیدن، آداب معاشرت، زبان، معارف و دین را از هم فراگرفته‌اند. که این مهمترین مبادله‌ی ملتها باهم بوده و از تبادل اقتصادی و کالا هم مهمتر است.

با اشاره به مسلمان شدن ملل شرق آسیا مثل اندونزی و مالزی و ملل شبه قاره هند توسط رفت و آمدهای تجار و سیاحان ایرانی) اسلام را برای اولین بار نه مبلغین دینی به آنجا بردند و نه شمشیر و جنگ، بلکه همین رفت و آمدها بود.

خود ملت مادر طول زمان از ملتهای دیگر خیلی چیزها آموخته است و این برای تازه ماندن معارف و حیات فرهنگی در سرتاسر عالم يك روند ضروری است. این معنی تبادل فرهنگی است که خوب و مطلوب است. ([38])

در تبادل فرهنگی، هدف بارور کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است. ولی در تهاجم فرهنگی هدف ریشه کن کردن و از بین بردن فرهنگ ملی است. در تبادل فرهنگی ملت گیرنده‌ی فرهنگ، چیزهای مطبوع و دلنشین و خوب و مورد علاقه را می‌گیرد... در تبادل فرهنگی، ملت فراگیرنده، نقاط درست و چیزهایی که فرهنگ او را کامل می‌کند، تعلیم می‌گیرد، مثل يك انسانی که ضعیف است و دنبال إذا یا دواي مناسب می‌گردد تا آن را مصرف کند و سالم بشود. در تهاجم فرهنگی چیزهایی را که به ملت مورد تهاجم می‌دهند خوب نیست و بد است. مثلا وقتی اروپاها تهاجم فرهنگی را به کشور ما شروع کردند، روحیه‌ی وقت شناسی، شجاعت، خطر کردن در مسائل، تجسس و کنجکاوی علمی را برای ما نیاوردند، نخواستند تا با تعلیمات و تبلیغات و پیگیری، ملت ایران يك ملت دارای وجدان کار و وجدان علمی بشود. آنها فقط بی‌بند و باری جنسی را وارد کشور ما کردند. ([39])

اگر در بحث تبادل فرهنگی ملّت فراگیرنده را به آدمی تشبیه کردیم که می‌رود در کوچه و بازار تا غذا و دواي مناسبی را تهیه و آن را مصرف کند، در بحث تهاجم فرهنگی باید ملت مورد تهاجم را به بیماری تشبیه کنیم که به زمین افتاده و نمی‌تواند حرکتی انجام دهد، آن وقت دشمن می‌آید آمپولی را به او تزریق می‌کند که معلوم است آن آمپول چیست. یعنی این آمپول، با آن دارو و درمانی که خود شما می‌روید انتخاب می‌کند و با میل آن را وارد بدنتان می‌کنید، فرق دارد. تبادل فرهنگی خودی را ریشه کن کند. تبادل فرهنگی از طرف ماست ولی تهاجم فرهنگی از طرف دشمن انجام می‌شود تا فرهنگ خوب است ولی تهاجم فرهنگی بد است. تبادل فرهنگی هنگام قوت و توانایی يك ملت انجام می‌گیرد، ولی تهاجم فرهنگی در روزگار ضعف يك ملت به وقوع می‌پیوندد. ([40])

تاریخچه تهاجم فرهنگی در ایران در سخنان مقام معظم رهبری

تهاجم فرهنگی علیه ملت ما مشخصاً از دوران رضاخان شروع شد. البته قبل از او مقدمات تهاجم فراهم شده بود و کارهای فراوانی کرده بودند... کسی که در آن روز بزرگترین قدم را به نفع فرهنگ غرب و در حقیقت به نفع سلطه‌ی غرب واستعمار انگلیس بر ایران داشت، رضاخان بود... رضاخان این مرد قلدر نادان بی سواد آمد و خود را در اختیار دشمن قرارداد. یکباره لباس این کشور را عوض کرد، بسیاری از سنتهای مردم را تغییر داد، دین را ممنوع کرد و کارهایی را با قلدری انجام داد که همه‌ی شما می‌دانید و چهره‌ی محبوب غرب شد، آن هم نه محبوب آحاد مردم و افکار عمومی غرب، بلکه محبوب سلطه‌گران و سیاستمداران غربی.

تهاجم فرهنگی علیه اسلام و ملت ایران از آنجا شروع شد و شکل‌های گوناگونی هم پیدا کرده این تهاجم در دوران جدید خاندان منحوس پهلوی، یعنی در 20 - 30 سال آخر حکومت آنها شکل خطرناکی پیدا کرد که حالا مجال توضیح آن نیست. ([41])

متاسفانه در دوران گذشته برای استقلال و حاکمیت ملی در این کشور دل سوزانده نمی‌شد، برای اینکه همه‌ی کسانی که دروان اخیر رژیم طاغوت یعنی دوران پهلوی را به یاد دارند، می‌دانند که دوران پهلوی، دوران خود فراموشی ملت ایران و دوران متروک ماندن عناصر خودی و عناصر ملی فرهنگ ما بود. در آن دوران همه چیز را از بیرون این مرزها عاریت گرفتند و آن چنان به خودی بی‌اعنا نمودند و آنرا تحقیر کردند که کمتر کسی جرات کرد حتی گرایش به فرهنگ خودی نشان دهد. این متاسفانه ویژگی دوران پهلوی است و هر چه از اول دوران پهلوی به طرف آخر دوران پهلوی پیش می‌رویم ابتدال آن حرکت هم بیشتر می‌شود. ([42])

انقلاب اسلامی آمد همچون مشت‌ی محکم بر سینه‌ی مهاجم خورد و او را عقب انداخت و تهاجم را متوقف کرد. شما در دوران اول انقلاب مشاهده کردید که ناگهان مردم ما طرف مدت کوتاهی تغییرات اساسی در خلقیاتشان احساس کردند. روحیه‌ی گذشت در مردم زیاد شد، حرص و طمع کم شد، حس همکاری گسترش یافت، گرایش به دین توسعه پیدا کرد، اسراف کم و قناعت زیاد شد، جوانهای ما به فکر فعالیت و کار افتادند، بسیاری که به شهرنشینی عادت کرده بودند به روستاها رفتند، گفتند برویم کار و تولید کنیم، شبه کارهایی که مانند گیاه هرزه در زندگی اقتصادی مردم ریشه دوانده بود، کم شد. این تحول فرهنگی مربوط به همان چند سال اول انقلاب بود، یعنی زمانی که تلاش روز به روز دشمن برای پاشیدن بذر فرهنگ و اخلاقیات فاسد متوقف شده بود. در این مدت یک نوع گرایش و توجه خاص به اسلام، فرهنگ، اخلاق، آداب و خلقیات اسلامی که در ضمیر مرده بود دوباره زنده شده البته این گرایش عمیق نبود. چون وقتی این گرایش عمیق پیدا می‌کند که چند سال روی آن کار بشود. ولی متاسفانه فرصت این کار پیش نیامده و همان تهاجم به تدریج از سرگرفته شود. ([43])

فرهنگ غرب و عکس‌العملها

1 – عده‌ای «نفي مطلق» را برگزیدند و سعی کردند تا عقاید و اصول مذهبی و سنت را به عنوان پشتوانه و مدافع ادعای خود قرار دهند. اینان با تمام مظاهر غربی مبارزه می‌کردند. برای اینان خوب یا بد عنصر فرهنگی غرب کمتر تعریف می‌شد. برای مثال، برخورد ابتدایی مردم ایران با ورود گوجه فرنگی به کشور که مخالفت‌های شدیدی در این زمینه انجام می‌گرفت.

2 - عدّه ای «پذیرش مطلق» را برگزیدند. کسانی بودند که با تمام وجود هر آنچه که مارک غربی داشت و از دستاوردهای مغرب زمین بود را می‌پذیرفتند. به زعم اینان ملک درستی و یا نادرستی هر چیزی رجوع به طرز تلقی غرب در آن مورد می‌باشد. به تدریج هر چیز ملک و ملت خودشان در نظرشان کهنه و پوشیده و تهوع آور می‌گردد و برعکس، هر چیز کشور استعمارگر برایشان نو و مترقی و زیبا و پر جلال می‌شود. غرب زدگانی چون ملکم خان و تقی زاده.

3 - روشن بینانی بودند که نه غرب را نفی مطلق می‌نمودند و نه به پذیرش مطلق آن اقدام می‌کردند، بلکه باذکاوت و روش نگری، دستاوردهای مثبت غرب را با توجه به بافت فرهنگی جامعه ایران بر می‌گزیدند و با عناصری که با ساختار فرهنگی و مذهبی این مرز و بوم تطبیق نمی‌کرد، مخالفت می‌کردند. از این عده می‌توان از سید جمال الدین اسد آبادی دکتر علی شریعتی و جلال آل احمد و شماری دیگر از روشن بینان این مرز و بوم نام برد.

حضرت امام خمینی (ره) رهبر فقید و کبیر انقلاب اسلامی ایران نیز با روشن بینی و همه جانبه نگری خویش در جمله ای قصار بیان می‌دارند:

«ما پیشرفتهای دنیای غرب را می‌پذیریم، ولی فساد غرب را، که خود آنان از آن ناله می‌کنند نه». ([44])

راه‌های برای مقابله با شیخون و تهاجم فرهنگی غرب

1 - شناخت دقیق و تعمیق غرب: ابتدا باید سعی نماییم تا طرف مقابل خود را به درستی بشناسیم. بدانیم که به روشنی فرهنگ غرب چیست؟ از چه عناصری تشکیل یافته است؟ شناخت درست طرف مقابل نیمی از پیروزی است. شناخت درست و روشن است که انتخاب را هم درست را در پی دارد.

2 - شناخت و آگاهی از فرهنگ خودی: ما تا درک درستی از فرهنگ خود نداشته باشیم، قادر نخواهیم بود دریابیم که مهاجم به کدامین عنصر فرهنگ داخلی نشانه رفته است، ما باید نقادانه به تاریخ فرهنگی اسلامی ایران بنگریم و دست به انتخاب عناصر فرهنگی درست زنیم.

3 - پالایش فرهنگی: اگر ما فرهنگ را مثل سیستمی در نظر آوریم، از عناصری تشکیل شده است، حال اگر یکی از عناصر سیستم دچار کارکرد منفی و آفت شنود، به دیگر عناصر نیز رسوخ کرده و بر کارکرد آنها نیز تاثیر خواهد گذاشت و ساخت فرهنگی را دچار اختلال خواهد کرد. متأسفانه در جامعه ما در میان ساخت فرهنگی عناصری بوجود آمده که بعضاً رنگ و لعاب مذهبی نیز به خود گرفته‌اند. برای مثال می‌توان به بعضی دیدگاه‌های نامناسب درباره زن، اعمال نامناسب در انجام بعضی فرایض مذهبی، رفاه زدگی و... از جمله عناصر نامطلوب نام برد که باید دست به پالایش آنها زد.

4 - تاکید بر رشد اقتصادی: این واضح است که اگر ما بتوانیم از لحاظ اقتصادی روی پای خود بایستیم بهتر میتوانیم از استقلال فرهنگی نیز حمایت کنیم.

5 - گسترش آگاهی: در جمهوری اسلامی ارتقاء آگاهی‌های سیاسی و تقویت بینش مردم به عنوان يك اصل، سرلوحه برنامه ریزی‌هایی مختلف قرار دارد. ارزیابی کلی نشان می‌دهد که ملت ایران با آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی روزافزون به عنوان ملتی الگو و پیش‌تاز در میان ملل مختلف جهان جایگاه ویژه‌ای یافته است. باید رشد فکری برای مردم جامعه فراهم نماییم و به آنها آگاهی دهیم که حتی وقتی اسباب

و موجبات اعمال ناشایست را در برابر خودیافت. بدان عمل ننمایید، در مقابل امواج رادیویی و تلویزیونی، ویدئو و ماهواره.

6 - تغییر شیوه برخورد با جوانان: جوانان در این عصر فقط شنونده و نصیحت پذیر نیستند. استفاده از نیروی جوان، در پیروزی انقلاب نسل جوان تاثیر بسزایی داشته است. و در تمام جوامع قویترین نیرو همین طبقه است و لذا در تداوم انقلاب نیز همین نسل جوان مسئولیت بیشتری خواهد پذیرفت، و بیشتر زحمتهای را متحمل خواهد شد. استفاده از نیروی پرکار و قدرتمند جسمی و فکری این طبقه در ادامه و صدور انقلاب و نیز حفظ خط اصیل آن مفید خواهد بود.

7 - یافتن زبان جذاب تر برای ترویج اندیشه دینی: امروز با گسترش روابط و کانالهای ارتباطی، جوانان با مسائل و مطالب جدیدی روبرو می شوند و بیشتر در مقام نقادی اعتقادات خود قرار می گیرند. لذا لازم است تا زبان شیواتر و جذاب تری برای بیان اندیشه دینی بیابیم، بهتر بتوانیم با جوانان، به خصوص تحصیل کردگان رابطه برقرار کنیم. مشکل عمده جوانان امروزه این است که در برابر دستاوردهای جدید علم و تکنولوژی مانده اند، و نمی دانند که مذهبشان از آنان چه انتظاری دارد، و چگونه می توانند به این انتظارات پاسخ دهند؟ کسی را کمتر می یابند که موضوعات دین را به زبان روز و جذاب برایشان بیان کند.

این خود نشان می دهد که ما باید در این برهه از زمان مفاهیم دین را در قالب جدید تر و اصول و منطق امروزی برای جوانان ارائه دهیم.

8 - گسترش امکانات تفریحی سالم: قشر جوان با توجه به حال و هوای خاص خود، احتیاج به تفریحات سالم دارد. برای او ایجاد امکانات تفریحی ضروری است، گسترش کتابخانه ها، سینماها، تنوع بیشتر در

برنامه‌های صدا و سیما، افزایش تعداد مراکز هنری و تفریحی از جمله این اقدامات است.

بطور کلی کینه‌ها و توطئه‌های دشمنان اسلام و ضدیت و مقابله با انقلاب اسلامی، بحران‌های فرهنگی غرب، بقایای فرهنگ منحط پهلوی، وجود افکار روشنفکران غربزده، عدم آشنایی با فرهنگ و معارف اصیل ناب محمدی (صلی الله علیه وآله وسلم)، مشکلات اقتصادی، عدم توجه خانواده‌ها نسبت به مسایل تربیتی فرزندان، ویژگی‌های روحی جوانان و نوجوانان و سرانجام عدم توجه کافی به فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر از جمله مهمترین عوامل ایجاد کننده تهاجم فرهنگی دشمن است.

و دقت و حساسیت در امر برنامه ریزی فرهنگی و هماهنگی در آنها تبیین اصول و مفاهیم فرهنگ اصیل اسلامی به دور از هر نوع علم زدگی و عقل گرایی افراطی، با اتخاذ شیوه‌های متناسب با نیاز افشار مختلف جامعه، مبارزه با مصرف گرایی و تجمل و فرهنگ منحط غرب و تقویت روحیه دینی از جمله زهد و قناعت، سعی در راه ایجاد و تحقق يك استقلال فکری و فرهنگی، و آموزش و تعلیم نیروهای کارآمد متعهد و مبلّغ، تعمیق ارزشها و آرمان‌های اسلامی، توجه به امور و مشکلات جوانان و نوجوانان و آگاهی دادن به خانواده‌هایشان در زمینه‌های تربیتی، تطارت مستمر و دقیق بر چاپ و نشر کتب و مطبوعات، نظارت بر برنامه‌های صدا و سیما و فیلمها، تلاش برای رفع مشکلات اقتصادی بویژه ازدواج، مسکن و گرانی، و بالاخره احیاء و ترویج سنت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم)، یعنی امر به معروف و نهی از منکر که از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) به مصداق جهاد اکبر می‌باشد، در میان تمامی افشار جامعه و باکمک و مساعدت همه آنها، همه و همه راه‌هایی است برای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن.

نتیجه سخن

پس از جنگ تحمیلی و تهاجمات نظامی، مهمترین بحثی که توجه صاحب‌نظران و دلسوختگان را بخود جلب نموده تهاجم از نوع فرهنگی آن است. جریان‌های گسترده و ریشه دار که هرگز تاکنون بحث آن در کشور ما تا بدین حد گسترده و پر دامنه نبوده است. آنچه به این بحث میدان داده است، خود آگاهی و خودباوری ژرف و

گسترده‌ای است که در پی پیروزی انقلاب اسلامی در مردم بپاخاسته ایران پدید آمده است. در واقع این نخستین باری است که مردم ایران با چنین ابعاد گسترده‌ای با پدیده‌ی تهاجم فرهنگی به عنوان یکی از جلوه‌های استعمار نو روبرو می‌شوند. اگر چه در تاریخ کشور ما نیز، همواره نبرد فرهنگی وجود داشته است، اما نباید فراموش کرد که این تهاجم و نبرد فرهنگی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ابعاد تازه‌تری بخود گرفته است. در واقع آنچه شاهد آنیم، نوعی امپریالیسم فرهنگی و یا به تعبیری سلطه‌گرایی فرهنگی است که برای از بین بردن هویت ملی و فرهنگی و تخریب ارزشهای فرهنگی به کشورمان تحمیل می‌شود.

همه ما می‌دانیم که تشکل فرهنگ اسلامی ما به گونه‌ای است که دشمن در شکستن خطوط مقدم جبهه بخاطر همین فرهنگ شکست خورد و اکنون می‌خواهد این پشتوانه قوی را نابود سازد. او در تضعیف و تحقیر دین اسلام تمام سعی و تلاش خود را بکار بسته است. اگر دیروز جهاد مقدس مادر مبارزه با جهان کفر، جهاد اصغر بود. امروز در دفاع از فرهنگ اصیل اسلامی جهاد اکبر است، جهادی که نیاز به توپ و تانک ندارد، بلکه نیازمند اراده‌ای قوی و ایمان عمیق است.

جنگ فرهنگی به عنوان یکی از برنامه‌های دراز مدت، بنیادی و ریشه‌ای، نامحسوس و نامرئی و غیر مستقیم مقابله استکبار جهانی با انقلاب اسلامی است. این نکته روشن است که پس از طرح مساله تهاجم فرهنگی، چگونگی مقابله با آن مطرح می‌شود، چرا که اصولاً هدف از شناخت تهاجم فرهنگی، بررسی آثار شوم و جلوگیری از نفوذ آن است.

راهبردهای مفروض مقابله با تهاجم فرهنگی، به عنوان يك مقوله خبرساز مدت زمانی در رسانه‌ها و جراید کشور مطرح شد و بعد از سپری شدن عده‌ی آن، متاسفانه به محاق فراموشی سپرده شده حال آنکه در مقوله فرهنگ نباید هرگز مقطعی باشد. از سوی دیگر، برای برخورد با مقوله تهاجم فرهنگی، هنوز راهبردهای مدون و بسامانی از سوی هیچ يك از ارگانهای ذیربط تدوین نشده است.

بطور کلی کینه‌ها و توطئه‌های دشمنان اسلام و ضدیت و مقابله با انقلاب اسلامی، بحران‌های فرهنگی غرب، بقایای فرهنگ منحن پهلوی، وجود افکار و روشنفکران غربزده، عدم آشنایی با فرهنگ و معارف اصیل اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله وسلم)، مشکلات اقتصادی، عدم توجه خانواده‌ها نسبت به مسائل تربیتی فرزندان، ویژگی‌های روحی جوانان و نوجوانان و سرانجام عدم توجه کافی به فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر از جمله مهمترین عوامل ایجاد کننده تهاجم فرهنگی دشمن است.

و از علل مهم تاثیر گذاري پدیده تهاجم فرهنگی بی‌برنامگی، سرگردانی، نداشتن برنامه‌های صحیح حساب شده برای آینده، عدم توجه به ارزشهای اسلامی و عدم پر کردن اوقات فراغت از طریق تفریحات سالم و نیز اختلافات طبقاتی حاکم در جامعه و از همه مهمتر، فقدان تضارب افکار و جو سالم برای ابراز عقاید و بیان مشکلات فرهنگی است.

پس از شناخت ماهیت دشمن و تهاجم فرهنگی او، مهمترین گام جهت مقابله، شناسایی و سازماندهی نیروهای فرهنگی خودی و ایجاد زمینه‌های لازم جهت فعالیتهای آنهاست. اگر امروز ما به این نتیجه رسیده‌ایم که جنگ ما يك جنگ فرهنگی و تاثیر گذاري بر فرهنگ یکدیگر است، مطمئناً نتیجه حاصله این خواهد بود که اولاً: باید خود را بهتر بشناسیم و سرمایه‌های عظیم علمی و انسانی خود را از این وضع اسفبار و نا منظم به صورت يك سیستم منظم و پیشرفته مبدل کنیم و ثانياً: دشمن خود را خوب بشناسیم و همانطوری که آنان راجع به ما حساس بوده و تحرکات ما را تحت نظر دارند، ما نیز در مقابل آگاه‌تر و مجهزتر باشیم و در عمل قوی‌تر و هو شیارتر انجام وظیفه نماییم.

امام خمینی (ره) این احیاء گرانگیز اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله وسلم) و حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای مقام عظمای ولایت و مرجعیت نیز در رهنمودهای بسیار روشنگر خویش، مستمرا و به تفاریق، در اکثر اوقات و از جنبه‌ها و زوایای مختلف، از این دسیسه‌های دشمنان امت‌های مستضعف جهان، بویژه از

ترفندهای دشمنان جهان اسلام و خاصه، از حيله‌های دشمنان فرهنگي کشور عزيز خودمان به روشني و صراحت و دقت و استحکام پرده برداشته‌اند.

تغيير چهره‌ها و مهره‌ها و لباس‌ها و اسم‌ها ما را از دشمن غافل و سردرگم نکند، بايد به فکر اين باشيم که امروز از کجا ضربه مي‌خوريم و منتظر حرکت دشمن باشيم. ما بايد بر اين جريان تسلط داشته باشيم و قبل از حادثه براي نابودش چاره سازي کرده باشيم و قبل از شيوع، جامعه را واکسینه کنيم و مردم را آگاه سازيم و کلام آخر آن که ابتکار عمل در دست ما باشد و دشمن در فکر دفاع از خود.

دقت و حساسيت در امر برنامه ريزي فرهنگي و هماهنگي در آنها، تبين اصول و مفاهيم فرهنگ اصيل اسلامي به دور از هر نوع علم زدگي و عقل گرایی افراطي، با اتخاذ شيوه‌های متناسب با نیاز اقشار مختلف جامعه، مبارزه با مصرف گرایی و تجمل و فرهنگ منحط غرب و تقويت روحیه ديني از جمله زهد و قناعت، سعی در راه ايجاد و تحقق يك استقلال فکري و فرهنگي، و آموزش و تعليم نيروهاي کارآمد متعهد و مبلغ، تعميق ارزشها و آرمانهاي اسلامي، توجه به امور و مشکلات جوانان و نوجوانان و آگاهی دادن به خانواده‌هايشان در زمينه‌های تربيتي، نظارت مستمر و دقيق بر چاپ و نشر کتب و مطبوعات، نظارت بر برنامه‌های صدا و سيما و فيلمها، تلاش براي رفع مشکلات اقتصادي بويژه ازدواج، مسکن و گراني، و بالاخره احياء و ترويج سنت رسول الله (صلي الله عليه وآله وسلم) يعني امر به معروف و نهي از منکر که از دیدگاه حضرت علي (عليه السلام) به مصداق جهاد اکبر مي‌باشد، در ميان تمامی اقشار جامعه و با کمک و مساعدت همه آنها، و نيز شناساندن عظمت و عمق زیبایی فرهنگ غني اسلامي و ايراني براي نسل جوان کشور، همه و همه راههایی است براي مقابله با تهاجم فرهنگي دشمن.

و ما نيز در اين مجموعه که در اختيار داريد سعی کرده ايم با استعانت از دیدگاههاي حضرت امام راحل (ره) و مقام معظم رهبري به بحث و بررسي پيرامون فرهنگ، فرهنگ اسلامي – تبادل و تهاجم فرهنگي – فرهنگ غرب و عکس العملهايي که در قبال آن صورت گرفته است – دسيسه‌ها و توطئه هاي مرموزانه استکبار جهاني عليه انقلاب اسلامي و فرهنگ شکوفاي آن پرداخته و با ذکر دستاوردهاي ارزشي و فرهنگي

انقلاب اسلامي ايران، در پايان راه حلهايي نيز جهت مقابله با تهاجم وشيخون فرهنگي غرب ارائه نماييم. باشد که اين مجموعه و کوشش ما بتواند روشنگر راه دلسوختگان به فرهنگ و انقلاب اسلامي بوده و طالبان حاکميت اسلام ناب محمدي 0 را در شناخت وجوه فرهنگ اسلامي ياري رساند.

اما نتیجه بحث با توجه به اينکه امروز جبهه اصلي؟ جبهه فرهنگ است و دشمن براي فتح اين سنگر تلاش ميکند لذا براي دفع و مقابله با اين قتل عام و شيخون فرهنگي، بسيج تمام نيروها و امکانات مردمي و نهادهاي فرهنگي و اقتصادي و سازمانهاي اداري و مراجع قضايي و انتظامي لازم و ضروري است و تنها در سايه همکاري و همفکري همه جانبه و مجدانه اين نهادها و سازمانها و آحاد ملت است که امکان دفع اين شيخون و غارت فرهنگي فراهم خواهد شد و اين مهم تنها بر دوش يك يا چند نهاد و سازمان خاص نيست.

اميد آن داريم که با عنايت حضرت حق و نصب العين قراردادادن رهنمودهاي راهبانه حضرت امام راحل (ره) و مقام معظم رهبري و همکاري انديشمندان و صاحبانظران عرصه هاي مختلف فرهنگي، بتوانيم به سهم خود، گامي هر چند ناچيز در مسير مقابله با تهاجم فرهنگي و اجتماعي برداريم، چرا که بي ترديد هر اقدام سنجيده اي در اين راستا، مي تواند به تحکيم مباني فرهنگي و ترويج و اشاعه فرهنگي، اصيل خودي مدد رساند. انشاء الله.

فهرست منابع و مآخذ:

1 - محمد حسين بن خلف تبريزي: برهان قاطع، به اهتمام محمد معين، جلد سوم ش - ل، انتشارات امير کبير، تهران 1362.

2 - دکتر مشيري، مهشيد: فرهنگ زبان فارسي (الفبائي - قياسي)، انتشارات سروش، تهران 1369.

3 - عمید، حسن: فرهنگ عمید، جلد سوم، انتشارات امیر کبیر، تهران 1365.

4 - صحیفه نور 22 جلد (مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره)، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (وزارت ارشاد).

5 - کلمات قصار پندها و حکمت‌ها، امام خمینی، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

6 - فرهنگ و تهاجم فرهنگی (برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری)، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران 1373.

7 - تاریخ و تمدن و فرهنگ: گروه تاریخ دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و تالیف کتب درسی، تهران 1368.

8 - فصلنامه پرتو ولایت: عقیدتی سیاسی اتکا، بهار 1375.

9 - در جستجوی راه از کلام امام، دفتر سوم (از بیانات و اعلامیه های امام خمینی از سال 1341 تا 1361)، امیر کبیر، تهران 1362.

10 - امام و جنگ (مجموعه‌ای از سخنرانیها و پیامهای رهبر انقلاب در رابطه با جنگ تحمیلی)، انتشارات آستان قدس رضوی.

11 - وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره)، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

12 - جویباری، محمود: 22 عنوان بمناسبت 22 بهمن پیرامون انقلاب اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی قم، زمستان 1371.

13 - آئین انقلاب اسلامی (گزیده‌هایی از اندیشه و آراء امام خمینی (ره) مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بهار 1374.

14 - اسلام ناب در کلام و پیام امام خمینی، تبیان آثار موضوعی دفتر پنجم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، خرداد 1374.

15 - قرباني، زين العابدين: تاريخ فرهنگ و تمدن اسلامي، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، چاپ دوم، تهران 1370.

([1]). محمد حسين بن خلف تبريزي: برهان قاطع، به اهتمام محمد معين، جلد سوم ش - ل، امير كبير، تهران 1362 ص 1481.

([2]). دكتور مشيري، مهشيد: فرهنگ زبان فارسي (الفبائي - قياسي)، سروش، تهران 1369 - ص 766.

([3]). عميد، حسن: فرهنگ عميد، جلد سوم ص 1837، مؤسسه انتشارات امير كبير، چاپ دوم، تهران 1365.

([4]). پيام امام خميني (ره) به مناسبت آغاز سال تحصيلي - صحيفه نور جلد 15 ص 160 - تاريخ 31 / 6 / 1360.

([5]). بيانات امام خميني (ره) در جمع فرهنگيان رfnسجان - صحيفه نور جلد 6 ص 40 - تاريخ 29 / 1 / 1358.

([6]). كلمات قصار، پندها و حكمتها، امام خميني (ره) ص 175.

([7]). كلمات قصار، پندها و حكمتها، امام خميني (ره) ص 175.

([8]). كلمات قصار، پندها و حكمتها، امام خميني (ره) ص 175.

([9]). كلمات قصار، پندها و حكمتها، امام خميني (س) ص 176.

([10]). سخنان رهبر معظم انقلاب در ديدار اعضاي شوراي عالي انقلاب فرهنگي (مجله پرچم اسلام دي ماه 75 ص 2).

([11]). سخنان رهبر معظم انقلاب در ديدار اعضاي شوراي عالي انقلاب فرهنگي 29/9/72.

([12]). سخنان رهبر معظم انقلاب در ديدار وزير و معاونين وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي 4 / 9/71.

[[13]]. سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی 29/9/72.

[[14]]. سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان 5/5/71.

[[15]]. سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار وزیر و معاونین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی 4/9/71.

[[16]]. سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار با وزیر و معاونین و مدیران کل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - بهار 75.

[[17]]. سخنان رهبر معظم انقلاب در جمع علما و روحانیون تبریز 5/5/1372.

[[18]]. سخنان رهبر معظم انقلاب در جمع علما و روحانیون تبریز 5/5/1372.

[[19]]. قرآن کریم، سوره آل عمران آیه 103.

[[20]]. کتاب 22 عنوان، بمناسبت 22 بهمن پیرامون انقلاب اسلامی، نوشته محمود جویباری، ص 20، سخنان حضرت امام خمینی (ره) در 23 / 7 / 1360.

[[21]]. همان منبع، ص 22، سخنان مقام معظم رهبری در 5/7/1370.

[[22]]. همان منبع، ص 22، سخنان مقام معظم رهبری در 10/11/69.

[[23]]. کتب امام و جنگ، ص 62، سخنان امام خمینی (ره).

[[24]]. مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان و دانش آموزان 10/8/74.

[[25]]. کتاب تاریخ و تمدن و فرهنگ، گروه تاریخ دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و تالیف کتب درسی - صفحات 156 تا 158.

[[26]]. پیام رهبر معظم انقلاب بمناسبت اولین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) 10/3/1369.

- [27]. سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار گروه کثیری از آزادگان و طبقات مختلف مردم 11 / 7 / 69.
- [28]. سخنان رهبر معظم انقلاب در مراسم بیعت گروهی از مردم و اصناف مشهد و عشایر خوزستان 22 / 4/68.
- [29]. سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار خانواده‌های شهدا 24 / 6 / 68.
- [30]. سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار علما و روحانیون و ائمه جماعات تهران 7/5/71.
- [31]. همان منبع.
- [32]. مقاله ما یوسف خود نمی فروشیم نوشته مهناز عباسپور (روزنامه اطلاعات ص 6 مورخه 3/8/1374).
- [33]. سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار کارکنان رسانه‌های گروهی و رؤسای مناطق آموزش و پرورش 21/5/71.
- [34]. سخنان رهبر معظم انقلاب، در دیدار وزیر و معاونین آموزش و پرورش، 25/10/70.
- [35]. سخنان رهبر معظم انقلاب، در دیدار کارکنان رسانه‌های گروهی و رؤسای مناطق آموزش و پرورش، 21/5/71.
- [36]. سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی 21/9/68.
- [37]. مقام معظم رهبری در دیدار با وزیر و معاونین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - فصلنامه پرتو ولایت، بهار 75، صفحه 53.
- [38]. سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار کارکنان رسانه‌های گروهی و رؤسای مناطق آموزش و پرورش 21 / 5/71.
- [39]. سخنان رهبر معظم انقلاب، در دیدار کارکنان رسانه‌های گروهی و رؤسای مناطق آموزش و پرورش،

21/5/71.

([40]). سخنان رهبر معظم انقلاب، در دیدار کارکنان رسانه‌های گروهی و رؤسای مناطق آموزش و پرورش،

21/5/71.

([41]). سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار کارکنان رسانه‌های گروهی و رؤسای مناطق آموزش و پرورش

21/5/71.

([42]). سخنان رهبر معظم انقلاب، در جمع شعرا، ادباء و هنرمندان تبریز 5/5/72.

([43]). سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار کارکنان رسانه‌های گروهی و رؤسای مناطق آموزش و پرورش

21/5/71.

([44]). در جستجوی راه از کلام امام (ره)، دفتر سوم، انتشارات امیر کبیر، تهران 1362 - ص 29.